

گیلان امروز	
روز‌نامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی گیلان	
<div>صاحب امتیاز و مدیر مسول: محمدکاظم شکوهی راد</div>	
<div>رشت – خیابان آیت ا… احسان بخش (صیقلان – تختی) ساختمان توسکا</div>	
<div>طبقه ۳ کدپستی:۴۱۷۳۷۳۸۰۳۳</div>	
<div>تلگرام: ۰۹۱۱۳۸۷۴۱۲۵</div>	<div>تحریریه:۳۲۲۶۸۱۱۳</div>
<div>امور آگهی ها:۳۲۲۶۸۱۱۵</div>	<div>فکس : ۳۲۲۶۸۱۱۴</div>
<div>لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و نشر نوین</div>	<div>تلفن:۰۷۶-۳۲۲۳۴۰۷۲۷-۳۳۲۲۴</div>
<div>سایت: www.gilan-today.com</div>	
<div>پست الکترونیک:gilantoday@gmail.com</div>	

روزگانه

گیلان امروز

شنبه ۶ دی ۱۳۹۹ | ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۴۲۲ | ۲۶ دسامبر ۲۰۲۰

ویلی برانت؛ زانوزدنی که تاریخی شد

فروریختن یک باره دیوار ممکن نیست و معجزه‌ای نمی‌توان صورت داد، به معنای این نیست که راه‌حلی وجود ندارد.

راه‌حل این است که اول دیوار را سوراخ کنیم و با افزایش منفذها زمینه فروریزش را بسازیم؛ و سوراخ کردن دیوار هم جز با شعار «تغییر از راه نزدیکی» ممکن نیست.

در چارچوب همین فکر و پروژه بود که ویلی برانت قرارداد مسکو را در اوت ۱۹۷۰ امضا کرد که سلسله‌جنبان تنش‌زدایی میان شرق و غرب، به رسمیت شناختن مرزهای بعد از جنگ جهانی دوم و آشتی با لهستان شد؛ و نهایتا کل این سیاست در زانوزدن باورپذیر و برگشت‌ناپذیر برانت نمود و



نمودی پیدا کرد که کمتر کسی را یاری تردید در آن بود.

همین سیاست و رویکرد بود که اوج خود را در پیمان تنش‌زدایی هلسنیکی در سال ۱۹۷۵ به نمایش گذاشت، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را به وجود آورد، اروپا و جهان را ایمن‌تر کرد و در کنه خود راه را برای جنبش‌های دمکراسی‌خواهی در اروپای شرقی و نهایتا فروپاشی دیوار برلین گشود.

انتقادهایی در دو سوی ماجرا

اقدام برانت در لهستان بدون مناقشه نبود، به خصوص که در چارچوب یک جنگ قدرت در رهبری کشور فضایی از یهودستیزی هم در جریان بود و مهاجرت یهودیان از لهستان هم شدت گرفته بود. در رهبری لهستان بحث درگرفت که اقدام برانت معنایش چیست؟

این که در برابر نماد گنوی یهودیان زانو زده آیا صرفا منظورش عذرخواهی از یهودیان بوده؟ اگر می‌خواست از کل جامعه لهستان عذرخواهی کند چرا ساعتی پیش که به ادای احترام سرباز گمنام در مرکز ورشو رفت زانو نزد؟ آیا ورای این که کجا زانو زده می‌توان این اقدام را گامی در نشان‌دادن جدیت او در سیاست تنش‌زدایی شرق و غرب و قبول مسئولیت از سوی آلمان تلقی کرد؟ آیا …

توضیح برانت برای جهانیان، اما روشن بود: «قصد و برنامه‌ای برای این اقدام نداشتم، اما در جایی که انحطاط تاریخ آلمان و بار میلیون‌ها قربانی جنگ بر دوشت سنگینی می‌کند، زبان عاجز از حرف‌زدن می‌شود.» او به عبارتی پاهای خیم‌شده‌اش را زینای گویا کرد تا در برابر تاریخ برای مردم کشورش عذر بخواهد. با این همه، لهستانی‌ها ۵۰ سال پس از زانوزدن برانت همچنان معتقدند که آلمان در جبران خطا و فاجعه تاریخی که بار آورده به اندازه کافی اقدام نکرده است.

سال گذشته، فرانک-والتر اشتاینمایر، رئیس جمهور آلمان به مناسبت هشتادمین سالگرد تجاوز قوای هیتلری به لهستان به ورشو رفت و این بار نه در برابر بنای یادبود قربانیان گتو که در پای مجسمه سرباز گمنام، که در قیاس با بنای یادبود گتو، نمادی عمومی‌تر و کمتر مناقشه‌انگیز در «مقاومت لهستانی‌ها» است سخنانی تاریخی ایراد کرد.

او گفت: من امروز با پای برهنه و سر خم کرده در برابر مردم لهستان ایستادم، به عنوان انسان، به عنوان یک آلمانی با باری از تقصیر تاریخی…

این مجسمه (سرباز گمنام) که امروز در پای آن به احترام ایستادهام به ما درس میهن‌دوستی و عشق به آزادی از یوغ و اسارت را یادآوری می‌کند». با این همه تازه‌ترین نظرسنجی در لهستان نشان می‌دهد که تنها ۲۹ درصد مردم این کشور معتقدند که رنج و حرمانشان در جریان جنگ جهانی دوم به اندازه کافی درک و ستایش شده است.

اقدام برانت، اما در میان هم‌میهنانش هم با استقبال چندانی مواجه نشد. حتی کسی مانند گونتر گراس، نویسنده نامدار آلمان که در مقام مدافع سیاست تنش زدایی برانت، او را در آن سفر تاریخی همراهی می‌کرد گرچه در ته دل از اقدام برانت راضی بود، ولی در عین حال نگرانی داشت که این اقدام محملی برای تبلیغات منفی جناح راست و محافظه‌کار آلمان ایجاد کند و این جناح سوار بر ذهنیت و و گرایش بخش قابل اعتنایی از جامعه کم و بیش محافظه‌کار آلمان موانعی اساسی در سر راه سیاست تنش‌زدایی برانت میان شرق و غرب ایجاد کند. این نگرانی گراس بی‌مورد هم نبود. در حالی که در اکثر کشورهای غربی و شماری از کشورهای شرقی اقدام برانت با استقبال و شگفتی روبرو شد، و گرچه مجله تایم برانت را به سبب همین اقدامش به عنوان مرد سال انتخاب کرد و یک سال بعد هم این اقدام و کل سیاست تنش‌زدایی برانت جایزه صلح نوبل را برای او به ارمغان آورد، ولی در خود آلمان ۴۸ درصد مردم زانوزدن برانت در ورشو را اغراق‌آمیز خواندند و تنها ۴۱ درصد آن را درست توصیف کردند.

روندهایی که شاید بدون سیاست برانت دشوار تر می‌بودند

حزب محافظه‌کار دمکرات مسیحی نیز از جمله مخالفان بود که برانت را به «خیانت و حراج منافع ملی آلمان» متهم می‌کردند. استدلال بخشی از مخالفان این بود که اقدام برانت اغراق‌آمیز بوده و نامی‌بایست در برابر لهستانی‌ها و بلوک شرق «این قدر خودمان را کوچک کنیم».

منتقدان لیبرال هم خرده می‌گرفتند که در قراردادها و معاهدات تنش زدایی با بلوک شرق به سرکردگی شوروی مبانی و مولفه‌ها حقوق بشر و احترام به آن در آن بلوک به اندازه کافی مورد تاکید قرار نگرفته؛ و حرف برانت و موافقان این بود که ۲۵ سال پس از پایان جنایت بزرگی که آلمان در اروپا رقم زد و شکست خفت‌باری که خرد باید فروتن‌تر باشیم و چنین اقداماتی را باید بسی پیش‌تر انجام می‌دادیم.

از طرفی هم ما بعد از آن فاجعه و جنایت، به لحاظ اخلاقی هنوز در موضعی نیستیم که همه آمال و ارزش‌های زیست دمکراتیک کنونی خودمان را در قراردادها با کشورهای آن سوی دیوار تسری بدهیم و آن‌ها هم همه را قبول کنند.

با این همه، حالا دیگر کمتر کسی نفی می‌کند که کنفرانس هلسنیکی که سال ۱۹۷۵ در پی سیاست تنش‌زدایی دولت برانت و آن زانوزدن تاریخی در ورشو امکان شکل‌گیری یافت و قراردادی که در این کنفرانس رقم خورد عملا، و به رغم اکره رهبران بلوک شرق، حاوی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و مبانی حقوق شهروندی شد که اردوگاه شوروی می‌بایست از اقدام علیه آن‌ها دست بکشد و به آن‌ها تاسی کند.

این تاسی البته در عمل با دشواری‌هایی پیش رفت، ولی کل قرارداد محملی به دست داد که غرب بتواند علیه نقض حقوق بشر یا ممانعت از شکل‌گیری و تشکل گروه‌های ناراضی اقدام و اعتراض کند. ضمن این که مبانی اولیه حقوق شهروندی و تسهیل رفت‌وآمد میان شرق و غرب که در این قراردادها راه یافت گام‌های جدی‌تری در سوراخ‌کردن دیوار برلین و دیوارهای ذهنی و حقوقی دیگری بود که گرد آن برپا شده بود.

به عقیده این صاحب‌نظران بدون سیاست تنش‌زدایی دولت برانت و خلف او هلموت اشمیت دست حکومت‌های این بلوک برای سرکوب آن‌ها به مراتب بازتر می‌بود. این که دیوار برلین هم بدون خونریزی و در جنبشی آرام فروریخت بی‌ارتباط به سیاستی که ویلی‌برانت پیش برد تلقی نمی‌شود.

امروز و هر روز با گیلان امروز

۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۳ ۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵

Gilan-today.com

همکاران گیلان امروز :

وحید اسماعیلی (مسئول تحریریه)، حسین عنبری، سعید سیمیاری، علیرضا خانی، احمد خدمتگزار

وحیده اسماعیلی، شهلا ابراهیم زاده، نسرن شکوهی راد، فرشته فتوحی، سمیرا بشارت

شهر ستانها :
باشار مقدم، یدالله کشاورز و محبوبه شالی

کشکول

آیا بشقاب پرنده ها واقیعت دارند؟



گیلان امروز– تاکنون در دوره های مختلف گزارش های غیر قابل توضیحی از مشاهده بشقاب پرنده ها ارائه شده که در برخی مواقع پدیده های طبیعی مانند شهاب سنگ با بشقاب پرنده ها اشتباه گرفته شده است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان،تاکنون در دوره‌های مختلف گزارش‌های غیر قابل توضیحی از مشاهده بشقاب پرنده‌ها عنوان شده که در برخی مواقع پدیده‌های طبیعی از جمله شهاب سنگ‌ها یا هواپیماهای آزمایشی و بالن‌های هواشناسی با بشقاب پرنده‌ها اشتباه گرفته شده اند.

گروه تحقیقاتی آژانس فضایی فرانسه (GEIPAN)، دریافتند که منشأ و علت ۵/۳ درصد از مشاهدات بشقاب پرنده‌ها در سراسرجهان ناشناخته مانده است.در بیشتر موارد چیزی که به عنوان بشقاب پرنده معرفی شده است، در حقیقت هواپیما، بالن یا هرجسم پرنده دیگری بود که توسط دولت‌ها با اهداف مختلفی مورد استفاده قرار داشت، اما در این گزارش مهمترین مواردی که تاکنون توضیح قانع کننده‌ای برای آن ارائه نشده است را معرفی می‌کنیم:

فلورانس، ایتالیا، ۱۹۵۴

در سال ۱۹۵۴ میلادی، دو باشگاه فوتبال محلی در فلورانس ایتالیا بازی می‌کردند که تماشاگران تماشای بازی را متوقف کرده و حدود ده هزار طرفدار فوتبال به تماشای یک اتفاق عجیب و غریب پرداختند. شاهدان عنوان می‌کردند که اشیایی به شکل سیگار برگ یا تخم مرغ همراه با نخ‌های سفید نقره‌ای از آسمان می‌بارید. قابل توجه است که بیشتر نمونه‌هایی که در این رویداد از آسمان سقوط کرد در اثر تماس با سطح زمین متلاشی می‌شدند، اما برخی از آن‌ها جمع آوری شده و در دانشگاه فلورانس مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد این نمونه‌ها حاوی بور، سیلیسیم، کلسیم و منیزیم هستند.

یکی از دلایلی که برای این مشاهدات ارائه شد این بود، هنگامی که عنکبوت‌ها مهاجرت می‌کنند از تارهایشان به عنوان بادبان استفاده می‌کنند. این توضیح به منطقی است، اما سوالی که هیچگاه پاسخی برای آن یافت نشد، این است که تار عنکبوت حاوی هیچ یک از عناصر یافت شده در این موادی که از آسمان باریده، نیست.

ملبورن، استرالیا، ۱۹۶۶

حدود ۳۵۰ دانش آموز و معلم در دبیرستان وستال (WESTALL) در ملبورن استرالیا، در سال ۱۹۶۶ میلادی پنج هواپیما را که یک بشقاب پرنده نقره‌ای رنگ را احاطه کرده بودند، مشاهده کردند. هواپیماها حدود ۲۰ دقیقه پیش از ناپدید شدن شیء پرنده اقدام به تجمع هوایی کردند. هنوز هیچ توضیح و دلیلی برای این اشیا پرنده ارائه نشده و در عوض در محل این رویداد یک پارک با موضوع بشقاب پرنده ساخته شده است.

ایالات متحده آمریکا و مکزیک، ۱۹۹۷

در سال ۱۹۹۷ میلادی، هزاران نفر از مشاهده چراغ‌های روشنی خبر دادند که در ارتفاع چند صد مایلی آسمان شب در آریزونا و نوادا در ایالات متحده و سنوورا در مکزیک دیده می‌شدند. این چراغ‌ها یا ثابت بودند، یا به ادعای برخی شاهدان، روی یک شیء پرنده V شکل در یک شکل مثلثی دیده می‌شد.

نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در توضیح این مشاهدات اظهار داشت که این نو، چراغ‌های بالای فونیکس نظامی است، اما بشقاب پرنده V شکل همچنان به عنوان یک راز باقی مانده است.

زندلشام فارست، انگلستان، ۱۹۸۰

در دسامبر ۱۹۸۰ میلادی، هواپیماهای آمریکایی مستقر در RAF WOODBRIDGE در سافولک انگلیس در حال بررسی گزارش‌های وجوداشیا نورانی در جنگل RENDLESHAM بودند که مشاهده کردند چراغ‌های قرمز و آبی و یک شیء پرند در حال حرکت است. قطر این جسم به طول حدود سه متر و ارتفاعش نیز سه متر توصیف شد و به نظر می‌رسید که برای مدتی به طور ثابت ایستاده است. جنس این جسم پرنده چیزی شبیه شیشه سیاه مات و صاف بود.

روز بعد، در زمین فرورفتگی‌هایی مشاهده شد و سطحی از تشعشعات نیز در این منطقه ثبت شد. در یک شب دیگر، یکی از اعضای نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا تصمیم می‌گیرد تا همکاران خود را با یک دستگاه فیلمبرداری قانع کرده و وجود جسمی پرنده را رد کند.

او گزارش داد که چراغ‌هایی را در آسمان دیده که مانند چشمی که به شما چشمک می‌زند، بود و به نظر می‌رسید یک پرتو نور به سمت زمین فرود می‌آید. سه سال بعد، دولت آمریکا گزارشی را منتشر کرد و این رویارویی را به نام رزول (ROSWELL) انگلیس توصیف کرد.

یک جنگلیان محلی نیز اعلام کرد که این فرورفتگی ناشی از کندن زمین توسط خرگوش است و میزان تشعشعات آنچنان زیاد نیست که اهمیت داشته باشد. در توضیح فیلم ضبط شده و چراغ‌های موجود در آن نیز، برخی معتقدند که نور چراغ‌ها با نور فانوس دریایی و صدای شنیده شده در نزدیکی آن منطقه هماهنگی کامل دارند، اما از این واقعه همچنان به عنوان واقعه‌ای غیر قابل توضیح یاد می‌شود.



نمی‌کردم اینجا در شهری در شمال شرقی اسکاتلند، اثری را که بسیار برای میراث کشور خودم مهم است، پیدا کنم.» «شاید به نظر برسد که این فقط یک قطعه کوچک چوبی است، که اکنون هم چند تکه شده است، اما وجود آن بسیار مهم است، چون این قطعه یکی از تنها ۳ قلمی است که از داخل هرم بزرگ جیزه بازیافت شده است. « دو مورد دیگری که وینمن

عبیر العدائی گفته است «وقتی که به اعداد موجود در اسناد مصر نگاه

کردم، بلافاصله فهمیدم که این قطعه چیست؛ در جای ساده‌ای در دید همگان، در یک کلکسیون اشتباه پنهان شده بود». او گفت «من یک باستان‌شناس هستم و در مصر روی حفاری‌ها کار کرده‌ام، اما هرگز تصور

عبیر العدائی گفته است «وقتی که به اعداد موجود در اسناد مصر نگاه